



انسان کیست؟

در کتاب اول کلام خدا ، پیدایش ، در همان باب اول میخوانیم که خد از زمین را آفرید. همچنین درختان ، حیوانات ، و حتی انسان را او آفرید. همه چیز نیکو بود و انسان بسیار نیکو بود. زمانی که همه چیز آفریده شد ، خدا با انسان صحبت کرد.

کدام چهار واژه خلاصه آن چیزی است که خدا گفت ؟

۱
۲
۳
۴
۵

پیدایش ۱: ۲۶ - ۲۸
پیدایش ۲: ۱۵ - ۱۷

خدا انسان را شبیه

خود ، مرد و زن آفرید. آنها با هم شبیه خدا بودند ، نه در ظاهر بلکه در باطن. هر دوی آنها به این منظور آفریده شدند که بر زمین فرمانروایی ، اعمال اقتدار و تولید مثل خود کنند. خدا آن باغ را آفرید تا آنها از باغ مراقبت ، مدیریت ، و محافظت کنند.

پس خدا به انسان قدرت داد. او این قدرت را داشت که خود همه کارها را انجام دهد. با اینحال انسان را در آفرینش خویش شریک کرد. از همان ابتدا خدا میخواست با آدم و حوا همکاری داشته باشد.

انتخاب

تمام حکمت از آن خداست. او میداند چه چیز نیکو است و چگونه باید در عدالت ، صلح و شادی زندگی کرد. این همان نوع زندگی بود که خدا برای انسان بر زمین در نظر گرفته بود. به همین دلیل میخواست که انسان در وابستگی و اعتماد به او زندگی کند. اگر انسان به چشمه حیات متصل بماند ، حیات نیز بر زمین نیکو باقی میماند .

(پیدایش ۲: ۸ - ۹)

زمانی که آدم و حوا میوه از آن درخت خوردند چشمانشان به شناخت نیکی و بدی باز شد. آنها به جای خدا ، به خودشان اعتماد کردند. پی آمد این کار عظیم بود و ما هر روزه عواقب آن را تجربه میکنیم.

پی آمد اعتماد داشتن بالای خود بعوض خدا

۱
۲
۳

پیدایش ۳: ۷ - ۱۲

حالا میبینیم که در این زمان رابطه با خدا متکی به قلب نیست ، بلکه به ذهن است.

دشمنی روی زمین

پیامد اتفاق این است که بر زمین لعنت می آید و به وسیله آن مرگ ، دشمنی ، زحمت و بیماری وارد میشود. دیگر زمین فقط نیکو نیست. دیگر تنها صلح ، شادی و عدالت نیست.





آنچه خدا ساخته به خاطر این لعنت دیگر به حق و مقصد خود نمیرسند. زندگی بر روی زمین بعد از آنچه آدم و حوا کردند بسیار سخت شد. (پیدایش ۳: ۱۴-۲۰)

زمانی که انسان انتخاب میکند که دیگر به خدا وابسته نباشد قدرتی را که از او دریافت کرده بود به مار - سمبلی از شیطان ، دشمن خدا - منتقل میکند. حالا شیطان بر زمین قدرت یافته و انسان زیر یوغ آمده است. «چشمانشان برای پادشاهی خدا بسته میشود» و برای آن دنیای دیگر باز میشود. حاکمی دیگر بر پادشاهی آنها سلطنت میکند.

مشق

چکار کنیم تا به پادشاهی خدا وارد شوم؟

یک دعا کنید تا خدا چشمانتان را برای پادشاهی باز کند. همچنین دعا کنید تا هوشیارانه هر دو پادشاهی را در اطرافتان تشخیص دهید.



با مربی تان صحبت کنید آیا مثل آدم و حوا شما هم از خداوند فرار کرده اید؟ شاید شما از عمل کرد خود پیش خداوند شرمند هستید و از او میترسید. اگر خداوند مثلی که به آدم و حوا با شما هم نزدیک شود چی واکنش نشان میدهید؟ با مربی تان در میان بگذارید.



شما چکار انجام خواهید داد؟ چرا؟

اصول ۲

خداوند هویت و برکت خود را برای هر فرد بخشیده. برای ما اختیار و مسؤلیت داده شده اما استفاده غلط یا درست از این قدرت در دست ما است.





پیدایش ۱: ۲۶ - ۲۸

^{۲۶} پس از آن خدا فرمود: «حالا انسان را می‌سازیم. آن‌ها به صورت ما و به شکل ما باشند و بر ماهیان بحری و پرندگان آسمان و همه حیوانات، اهلی و وحشی، بزرگ و کوچک و تمام زمین حکومت کنند.» ^{۲۷} پس خدا انسان را به صورت خود آفرید. انسان را به صورت خدا آفرید. آن‌ها را زن و مرد آفرید. ^{۲۸} آن‌ها را برکت داد و فرمود: «بارور و زیاد شوید، زمین را پر سازید و در آن تسلط نمائید. بر ماهیان و پرندگان و تمام حیوانات روی زمین حکومت کنید.»

^۸ عصر آن روز شنیدند خداوند، خدا در باغ راه می‌رود، پس خود را پشت درختها پنهان کردند.

پیدایش ۳: ۹، ۱۰

^۹ اما خداوند، خدا آدم را صدا کرد و فرمود: «کجا هستی؟» ^{۱۰} آدم جواب داد: «چون صدای تو را در باغ شنیدم ترسیدم و پنهان شدم، زیرا برهنه هستم.»

پیدایش ۳: ۱۲

^{۱۲} آدم گفت: «این زنی که تو او را همدم من کردی، آن میوه را به من داد و من خوردم.»

پیدایش ۳: ۱۴ - ۲۰

^{۱۴} سپس خداوند، خدا به مار فرمود: «چون این کار را کردی، از همه حیوانات ملعونتر هستی. بر روی شکمت راه می‌روی و در تمام مدت عمرت خاک می‌خوری. ^{۱۵} در بین تو و زن دشمنی می‌اندازم. نسل تو و نسل وی همیشه دشمن هم می‌باشند. او سر تو را می‌شکند و تو گری پای او را می‌گری.» ^{۱۶} به زن فرمود: «درد و زحمت تو را در ایام حاملگی و در وقت زائیدن بسیار زیاد می‌کنم. تو به عشق شوهرت محتاج می‌باشی و اختیار تو به دست او می‌باشد.»

^{۱۷} به آدم فرمود: «تو به حرف زنت گوش دادی و از درختی که به تو گفته بودم نخوری، خوردی. به خاطر این کار تو، زمین لعنت شد و تو باید در تمام مدت زندگی با سختی کار کنی تا از زمین خوراک به دست بیاوری. ^{۱۸} زمین خار و علف‌های هرزه می‌رویانند و تو نباتات صحرا را می‌خوری. ^{۱۹} با زحمت و عرق پیشانی از زمین خوراک به دست می‌آوری، تا روزی که به خاک، یعنی خاکی که از آن به وجود آمده‌ای، برگردی. تو از خاک هستی و دوباره خاک می‌شوی.»

^{۲۰} آدم اسم زن خود را حوا گذاشت چون او مادر تمام انسانها است.

پیدایش ۲: ۱۵، ۱۶، ۱۷

^{۱۵} سپس خداوند، خدا آدم را در باغ عدن جا داد تا در آن زراعت کند و از آن نگهداری نماید. ^{۱۶} خداوند به آدم فرمود: «اجازه داری از میوه تمام درختان باغ بخوری. ^{۱۷} اما هرگز از میوه درخت شناسائی خوب و بد نخوری، زیرا اگر از آن بخوری در همان روز می‌میری.»

پیدایش ۲: ۸، ۹

^۸ خداوند، خدا باغی در عدن که بطرف مشرق است درست کرد و آدم را که ساخته بود در آنجا جا داد. ^۹ خداوند همه نوع درختان زیبا و میوه دار را در آن باغ رویانید و درخت زندگی و همچنین درخت شناسائی خوب و بد را در وسط باغ قرار داد.

پیدایش ۳: ۷

^۷ همینکه آنرا خوردند به آن‌ها دانشی داده شد و فهمیدند که برهنه هستند، پس برگهای درخت انجیر را بهم دوخته خود را با آن پوشانیدند.

پیدایش ۳: ۸

